



۲۰۱۹/۰۳/۱۱



حفیظ الله حازم

بودا



بودا

چه بزرگی و بلند

چه درخشان و قشنگ

عظمت و جاه ترا بود قرون

سنگ تو زر شده بود از پس دوران کهن

یاد تو نقش محك
یاد دستان ظریفی که ترا ساییدند
خود برفتند و بتو جان دادند
ماندگاریت زاوست
استواریت زاوست
یاد تو یاد همان نقشگر است

** * **

نقشه گر رفته ز بر
سال ها یاد کسش نیست دگر
این بهای سال هاست
قامتت ماه و بلند
یا غرورت که به عالم شده چند

** * **

وای جلاد اجل
تیغ در دست سیاه
آمده در پی جان
نقشگر آهی کرد
قلبش از درد تباهی لرزید
اشک از چشم عزیزش غلطید

** * **

گفت

جان من گیر سیاه

بی ادب دست من و حاصل دستم مشکن

بت من جان من است

بت من قامت دوران من است

عشق من زحمت من، مایهٔ ایثار من است

لیک شیاد سیاه

صنمم کرد به دار

قلب مجروح ترا توپ زدند

قامتت بشکستند

رخ زیبایی ترا خاک زدند

لیک بودا

تو بزرگی و بلند

ماندگار و جاوید

سده ها، قرن و هزار

با شکوهی که تراست

با غروری که تراست



کابل ناتھ

شماره ۲۴ سال ۲۰۰۶

بودا! چه بزرگی و بلند

[hazem_hafiz_boodaa_tsji_bozorgi_o_beland.pdf](#)